

## شرح شکنجه های سپاه پاسداران در شکوایه قربانیان

آنچه که در پی می آید شکوایه رسمی تعدادی از قربانیان سپاه پاسداران در سناریویی به نام گرداب یا مضلین است. این شکوایه که به مراجع رسمی و قانونی کشور نوشته شده است و خبرگزاری هرانا (ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران) به نسخه های اصلی آن دست پیدا کرده است، به عنوان سندی مهم در خصوص شکنجه و سناریو سازی برای بازداشت شدگان توسط نیروهای امنیتی محسوب می شود.

لازم به ذکر است مشابه این سناریو در حال حاضر در مورد دهها تن از فعالان حقوق بشر در بند ۲ الف سپاه پاسداران مستقر در زندان اوین نیز جاری است که بررسی مستندات ذیل می تواند به روشن شدن افکار عمومی در خصوص وضعیت بحرانی زندانیان دیگر نیز موثر باشد.

این سند توسط سه تن از متهمین پرونده به نام های سعید ملک پور، شهروز وزیری، وحید اصغری به امضا رسیده است.

متن نامه بدین شرح است:

" ارائه ی گزارش شکنجه وحشیانه من و بی اعتبار دانستن اعترافات و بازجویی ها و تحقیقات پرونده " شکوایه به قاضی محترم شعبه 15 دادگاه انقلاب اسلامی جناب آقای صلواتی

رونوشت به دادسرای نظامی تهران

اینجانب که مدت بیش از 22 ماه است که به عنوان متهم در بازداشت موقت بسر می برم و این مدت بازداشت را که با شکنجه های جسمی و روحی و روانی ددمنشانه وحشتناک متعدد طویل المدت همراه بود و آثار عواقب بدی روی بنده داشت را با نوع موارد اتهامی تخصیص داده شد به بنده متناسب و همگون نمی دانم و خواستار توجه به موارد زیر هستم :

طی پرونده سازی و جرم سازی برای بنده پرونده بزرگ نمائی اتهامات در جهت اغفال دادگاه و قاضی توسط بازجویان پرونده دنبال شد که موجب اظهار شخص بنده که خاطی نیستم گردید و حالات سالم روحی و روانی بنده را عمیقاً تغییر داد ( طبق گواهی پزشکی قانونی و روانپزشک بهداری اوین ) بازجویان مسبب تغییر حالات و جا به جایی و شکستگی جمجمه سر ، دماغ و مهره پشت کمر و گردن من و خونریزی بینی داخلی سطحی و خونریزی لثه و دست و پای بنده شد و ضربه های مغزی ایجاد حالات کوفتگی بدن و پاها و ضربات شلاق و باتوم و شیلنگ و ضربه های سنگین دست به سر و مغز و گوش ها و صورت بی دفاع من و لگد به پاها و شکم و سر و خونریزی لثه و دست و پای بنده زدند و ضربه های مغزی و ایجاد حالات کوفتگی بدن و پاها و ضربات شلاق و باتوم ساعت ها در طول شب و روز ادامه داشت و برای همه به کار می رفت و خودم در صحنه حاضر بودم که دیگران را آزار و اذیت می کردند بازجویان و کارشناسان خودسر قوه قضائیه و سپاهیان پدافند سایبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی علاوه بر آن تنبیه های بدون حکم قانونی و غیر شرعی، فحش های رکیک و توهین های ناموسی و جنسی به من و خانواده ام و حتی خانواده خودشان و خدا و پیغمبر (العیاذبالله) و رهبر و غیره پشت سر هم می دادند

در حالی که شخصیت و شعور و موقعیت اجتماعی من بالا و محترم است و اتهامات وارده را قبول ندارم زیرا بازجویان جعل و تزویر در عنصر معنوی جرم و دست کاری درسیات علمی و اهداف من در راه اندازی و اداره سایت ها توسط عناصر تلقین نیت و اهداف بدو وعده آزادی تبرئه و یا با زور و اجبار و اکراه و شکنجه باعث تحریف و دستبرد در نیت بنده شدند.

اگر مرا به پزشکی قانونی اعزام کنید، گواهی پزشکی قانونی را برای اثبات صدق گفتارم ارائه می نمایم و بازجویان و مسئولان شکنجه گر در دادگاه حاضر شوند {...} ابراز کنند خودشان که شکنجه ها را مرتکب نشدند اگر انکار کردند و خدا دروغگو را دوست ندارد آنها ماه ها شبانه مرا به طور غیر قانونی از اوین تحویل گرفته و به شکنجه گاه مخفی سپاه به اسم رمز " شرکت " که در مکان مجهول قرار دارد و فرا قانونی عمل میکند با چشم بند و دست بند می بردند و به خاطر هدفشان که ایجاد انحراف و سوء استفاده {...} از پرونده بود شروع به گذاشتن من در کمد تنگ و تاریک با حیوانات موزی و سیاه چال و وان حمام (همراه با دست بند و پا بند) و کیسه های هوا خفه کننده و زد هوا و اکسیژن روی سر و روی من انداختند ( دقیقاً عین کیسه های مخصوص گوانتانامو و ابوغریب ) و مرا شدیداً به چوب بسته و به حالات کاسه سر و به سمت پائین آویزان کردند با طناب و دستبند و شلاق و سیلی می زدند

متنواً تا غیر حقیقت و غیر واقع بود و خواست آنها بود را بنویسم و امضا کنم و در مقابل دوربین همکاران سانسور چی شان ( صدا و سیما ) اعترافات بزرگ و دروغین بکنم ( که به طور غیر قانونی در برنامه شوک برنامه ویژه سپاه شبکه یک و اخبار 20:30 و سایت غیر قانونی گرداب متعلق به سپاه پخش و توزیع شد بدون اجازه از ما و دادگاه در حالی که من محکوم نیستم و متهم و اتهامات را که ساخته و پرداخته پرورده خودشان است را قبول ندارم و دادگاه هم حکمی نداده . ( است مبنی بر اینکه من مجرمم

آنها با نشان دادن چسب قطره ای بزرگ و تیزی و ضربه زدن به شکم و پهلو با پنجه بوکس و گذاشتن چاقو زیر گلویم و روی رگ دستم و تهدید به قتل و تجاوز جنسی چند نفره به من به زور هر چه می خواستند را تلقین می کردند و با وعده و اجبار از من اعتراف غیر واقعی و کذب و امضا و اثر انگشت و نوار مصاحبه ی ویدئویی جعلی بارها گرفتند. اثبات مستند وقایع ذکر شده توسط گواهی و اعلام شکایت خودم و امضا و اثر انگشت شاهدان و متهمین دیگر هم بندی که خود نیز توسط آزار و اذیت این تیم بازجویی و شکنجه قرار گرفتند، صورت می پذیرد. بنده توان ارائه مشروح گزارش وقایع شکنجه ی چند ساعته و چندین ماهه را دارم و بدین وسیله با اعلام گواهی عدم رعایت و اجرای قوانین اساسی، آ.د.ک.ب.ق حفظ حقوق شهروندی و آیین نامه ی سازمان زندان ها (مواد آن مستندات موجود است) از قاضی تحقیق " قاسم زاده " بازپرس ویژه ی امنیت و بازپرس همکار و دستور دهنده ی شکنجه گران " محمد محمدی موسوی " و بازجویان شکنجه گر و سایر افراد و دخیل دیگر شکایت و تظلم خواهی می کنم و تمامی اعترافات و اثر انگشت ذیل آنان را فاقد اعتبار و وجاهت قانونی می دانم و بر علیه افراد ذکر شده اعلام جرم می نمایم. نزد خدا و قانون خدا آن ها " دروغ واهی " دشنام و اتهام {...} و زنا و دزدی و جاسوسی و غیره به بنده نسبت دادند. به اختیار خودشان که باید توسط مراجع صالحه پیگیری شده و مجازات گردند و چون در پرونده ی اینجانب دست برده شده است درخواست کارشناس رسمی دادگستری می کنم. گواهی می شود که تمام جرایم موضوع قانون " منع شکنجه " مصوب مجلس شورای اسلامی در سال 1381 توسط بازجویان و مسئولان قضایی روی من و شاهدان نیز اتفاق افتاده است

1. اینجانب سعید ملک پور فرزند حسین راجع به رفتار بازجو ها، شکنجه، حبس های طولی المدت انفرادی بدون ملاقات و تلفن، گرفتن اعتراف و اقرار تحت فشار روحی و روانی و طبق دیکته ی بازجویان و هم چنین تهدید خود و خانواده، ضرب و شتم، فحاشی و توهین که از مورخ 13 مهرماه 1387 شروع و تا 19/11/1388 ادامه داشته حاضر به ادای شهادت در دادگاه محترم می باشم. با احترام سعید ملک پور 24/12/1388
2. بنده شهروز وزیر فرزند مطاهر در خصوص شکنجه ی روحی و روانی و جسمی و حبس طولی المدت انفرادی و توهین و فحش و ضرب و جرح توسط بازجویان سپاه و گرفتن اقرار زوری و دیکته شده و عدم تماس قانونی با خانواده و نداشتن وکیل از تاریخ 24/12/1387 تا 19/11/1388 حاضر به شهادت در دادگاه محترم می باشم. شهروز وزیر 16/12/1388

درباره ی موارد اتهامی از قبیل راه اندازی سایت های غیر دینی و غیره نکته ی مهم این است که در راستای قوانین و مجاری جریان آزاد اطلاعات در محیط اینترنت بنده اقدام به اختصاص فضا و دامنه به فعالان حقوق بشری، زندانیان سیاسی و دانشجویان دستگیر شده که زیر شکنجه بودند از قبیل احمد باطبی، فعالان حقوق زنان و وبلاگ های نظیر زهرا.اچ.بی.دات.کام و پناهنده های اجتماعی و سیاسی مقیم خارج از ایران نمودم و سایت آنان را مدیریت و پشتیبانی فنی و مالی می نمودم که خلاف قوانین الهی که متضمن رعایت حقوق بشر و افراد است نبوده است و هرآنچه را از نوشته و محتویات درون سایت های ایشان بود با مسئولیت خود ایشان است نه بنده و ایراد جرم براندازی نرم و جنگ سایبری به بنده که یک اتهام سیاسی است موجب می شود تا من الزاما با حضور هیات منصفه محاکمه شوم. اگر قوانین بخواهد برای اولین بار در مورد من اجرا شود من خودم هیچ تولید و تهیه ای نداشتم از آن اوایل ورود به اینترنت تا به حال هیچ نوشته و مطلبی از خود ارائه نکردم و فقط حمایت کننده ی سایت هایی بودم که ضد نظام و ضد انقلاب و ضد دین شناخته شده اند.

جزئیات اتهامات من چنین است

مدیریت سایت احمد باطبی - ارتباط با گروهک های ضد انقلاب هم چون کومله و عامل فراری دادن احمد باطبی از مسیبان 18 تیر 78 در نتیجه ی این ارتباطات و شناخت، اخذ ماهیانه 1000 تا 3000 دلار از کنسولگری های آمریکا در راستای جنگ نرم علیه نظام مقدس ج.ا.ا، جاسوسی برای سی آی ای و منافقین و ارتباط مستقیم با منافقین تبلیغ استخدام کارمند برای سازمان در سایت های خود، ارتباط و همکاری و ساپورت مالی و خط دهی به سایت های علیرضا نوری زاده و سلطنت طلبان دیگر، سایت گویا نیوز و شرکت آمریکایی و ضد دین ایران گویا، ارائه پیشنهاد همکاری و ساپورت های فنی و مالی و تبلیغی گروه ها و سازمان ها و نشریات حقوق بشری از قبیل سازمان دیده بان حقوق بشر و غیره اداره ی شرکت های مختلف در آمریکا و بهره mitras.org و نشریه لوموند فارسی و سایت تبلیغاتی علیه نظام برداری از آن ها در راستای جنگ نرم علیه نظام ج.ا.ا و ... این ها در حالیست که دارند بنده را با قانون سمعی و بصری(قانون صدا و سیما و سینما!) در دادگاه انقلاب! و قاضی که تخصص رسیدگی به جرایم رایانه ای نیست! محاکمه می کنند و پیشاپیش با پرونده سازی ها و بزرگ نمایی های خود طبق آیه ی 330 سوره ی مائده درخواست اعدام نیز کرده اند در کیفر خواست

بنده باید در دادگاه جرایم رایانه ای با قانون جرایم رایانه ای توسط قاضی جرایم رایانه ای و کارشناس فنی قوه ی قضائیه محاکمه شوم و این حق من است

بنده اعترافات زیر شکنجه و آزار خود را فاقد وجاهت قانونی و شرعی می دانم تماما و قصد خود را در ایجاد و اداره ی سایت ها در جهت مقاصد علمی اعلام می کنم بنده به علت رشته ی تحصیلی ام "مهندسی کامپیوتر" و احاطه ام به اینترنت اقدام به وا کاوی، پژوهش و روانشناسی و تجارت در محیط سایبر نمودم ام چنانکه بازجویان و بازپرس پرونده به علت بی سوادگی و کار نشناسی دست گذاشته اند روی اقدامات سخیفی چون معرفی من به قاضی بی اطلاع پرونده به عنوان گیرنده و دریافت کننده ی ایمیل های خبری از سایت رادیو آمریکا و بی بی سی فارسی و نیویورک تایمز و عضویت در سایت بالاترین و ایران پروکسی و تهیه ی خبر برای بی بی سی و گویا نیوز و بالاترین و ایرانیان دات کام و معرفی خوانندگان رپ هم چون خانم " آتش " برای اولین بار در رسانه هایی هم چون بی بی سی و برنامه ی بهزاد بلور و ترویج فرهنگ موسیقی رپ از این طریق، و اداره ی چندین سایت خبری ضد نظام و خبرگزاری آنلاین و جاسوسی از سپاه و نیروگاه های انرژی هسته ای از طریق دریافت اختصاصی خبر و عکس و فیلم به طور محرمانه از افراد متخصص، مرتبط و منافق و ارائه ی آن در سایت خبری خود و ترویج فرهنگ هالیوود و پشتیبانی از پروژه های سیا و موساد در هالیوود از طریق سایت خبری انگلیسی- سینمایی خود و راه اندازی و اداره مخفیانه ی ده ها پروکسی و فیلتر شکن در

جهت تسهیل افراد مقیم ایران برای دسترسی به سایت های ضد انقلاب و رادیو های آنلاین بیگانه و ضربه زدن به سپاه از طرق انتشار و عکس های کشتار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شمال کشور ایران و تبلیغ علیه نظام اسلامی و انتشار متن های " آموزش برپایی تظاهرات بدون خشونت و راه پیمایی های آرام و نافرمانی مدنی " در اینترنت و تبلیغ سایت های افراد ضد انقلاب و ایران در سایت های خود و در اخبار سایت های خبری- تحلیلی خود و راه اندازی سایت های لینکستان سیاسی- خبری ضد نظام و ضد دین، حتی خریداری دو پیراهن و تی شرت با آرم سیمرغ و ایران و از سایت پسر مسعود بهنود ضد انقلاب فراری، آقای " بینا بهنود " که مقیم نیویورک است نیز همراه با موارد بالا برای من جرم تلقی شده است در حالیکه جرم انگاری چنین مواردی خلاف قوانین نص صحیح قرآن کریم است

تمام کارهایی که کرده ام و سبب ایراد اتهام از جانب قوه ی قضائیه شده است به من در جهت دفاع از حقوق اولیه و اساسی بشر و علم بوده است و با خرافات و ارتجاع مبارزه کرده ام (149 ال عمران) و مدافعان حقوق بشر از من و اعمالم و نیتم حمایت می کنند. وقتی حقیقت را می فهمند پس دستگاه عدالت ج.ا.ا. پرونده ی مرا به سبب عقیده و طرز فکر و نوع فکر و نوع نگاهم سیاسی کرده اند و کارهایی روی من انجام داده اند که تماماً جزء موارد نادر نقض حقوق بشر است. یعنی حتی آن ها از پاشیدن ادرار روی صورت بنده دریغ نکرده اند و اتهامات خود را به من نسبت دادند. چنین اتهاماتی که در اصل کوچک بودن هنگام بازجویی و دخالت کارشناسانه ی سپاه به یکباره هزاران بار و به اندازه ی 99% کل جرمی که مرتکب شده ام بزرگ نمایی و پرونده سازی شده اند برای دادگاه اسلامی!! و اغراض سیاسی و شخصی و دست های پنهان و آشکار و قوانین جاهلانه و ناقص و وجود کارشناسان در امر بررسی و بازجویی و کارشناسی پرونده و اعتراف گیری های دروغین از من به ضرب و زور شکنجه و... باعث شده تا کار من بزرگ جلوه داده شود و دروغ های ساخته شده را واقعی جلوه داده و با تغییر در عنصر معنوی جرم به ریا، وارد پرونده ام کنند و کذب ها را بی دانشی مسئولان قضایی و ضابطان قضایی که فرق کامپیوتر و اینترنت را نمی دانند(واقعاً نمی دانند) و تعریف لغوی آن ها را نیز لااقل نمی دانند و نمی فهمند باعث خبط موضوع و درست درک نکردن آن شده است. مثلاً در برگه های ابقاء و قرار و بازجویی از من ویا در قوانین " سمعی و بصری" مصوب مجلس شورای اسلامی و... حتی، چنین نوشته می شود که ایشان اقدام به راه اندازی و اداره سایت های کامپیوتری!!! می کند و بر علیه نظام که این یعنی راه اندازی و اداره ی کافی نت نه سایت های اینترنتی!! زیرا سایت اینترنتی در همه جا معنی کافی نت را می دهد و با سایت اینترنتی در وب گاه فرق می کند!! قابل ذکر است که اتهامات من در اروپا و امریکا و کانادا و اقیانوسیه نه تنها جرم و اتهام شمرده نمی شود بلکه جایزه و پاداش هم برای اداره کنندگان چنین سایت های اختصاصی می یابد مانند جایزه های طراحی وب، وبلاگ نویسی، آزادی بیان، حقوق بشر و سلامت و پزشکی و روان پزشکی و غیره و اقدام من قانونی و شرعی بوده است طبق قوانین آن کشورها و قوانین بین المللی و سازمان ملل متحد و قوانین الهی قرآن کریم. امیدوارم ریاست قوه ی قضائیه که نگرانی خود را نسبت به پرونده سازی های کاذب همچون دیگر روسای قوه ی قضائیه نشان داده اند و اظهار کرده اند: دادسراها نباید اجازه ی پرونده سازی های خارج از داسراها را به ضابطین قضایی بدهند. کار قضائی نیز رسیدگی به حق است. بنابراین نباید وظایف خود را به دستگاه های دیگر محول کند، اینکه قاضی اختیار کارهای قضائی را در دست این نیروها قرار دهد و آن ها نیز برگه ی سفیدی در اختیار داشته باشند و شروع به پرونده سازی کنند، خلاف قانون است. امروز استنطاق و بازجویی ها به گونه ای است که برخی از مراجع اطلاعاتی و امنیتی افراد را دستگیر و آن را در بازداشتگاه های خصوصی خود مورد بازجویی قرار می دهند و آنگاه آن را به سازمان زندان ها ربط می دهند بازجویی کار قضایی است. اقراری که در حضور قاضی نباشد اقرار نیست و وجهی قانونی ندارد. کدام حقوقدان و متفکر اسلامی چنین بازجویی هایی که در برخی بازداشتگاه های خصوصی می شود را اقرار می داند؟! اقرار؛ مبنای خاص خود را دارد. اقرار فرد باید علیه خود باشد نه علیه دیگران بنده این مطالب را تحت تاثیر حقوق بشری که برخی کشورها مدعی آن هستند نمی گویم. خود آن ها بزرگ ترین ظلم و نقض های حقوق بشری را مرتکب می شوند، ما داعیه دار علی هستیم و عدلی که او می گوید قاضی حق ندارد به یکی از دو طرف پرونده لبخند بزند و با طرف دیگر با اخم نگاه کند، علی این ها را ظلم شناخته است. باید اجازه داد که متهم از خود دفاع کند، قاضی نباید زود قضاوت کند و برآن مبنا مبادرت به صدور کیفر خواست کند، این خلاف قانون اساسی و اسلام است " (14/2/1386 به نقل از خبرگزاری ها)، (نقل از هاشمی شاهرودی، از هفته نامه " شهروند امروز " ویژه نرورز 1387)، رفع ظلم از من و بقیه کنند و صدای تظلم خواهی بشر را در بیدادگاه های ج.ا.ا. بشنوند. حق پایدار است و آخرت پاینده تر است، آیا به تفکر در نمی آید؟ الان هنوز که هنوز است هیچ وقت اجازه ی ملاقات با وکیل و بررسی پرونده را به من نمی دهند در حضور وکلایم آقای ذوالقدر و امین شرعی حتی در داخل صحن دادگاه اجازه ی حرف زدن و احوالپرسی نیز به من با وکیل نمی دهند! این پرونده احتیاج به کارشناسی من از یک طرف و کارشناسان فنی قوه ی قضائیه (متخصصین در جرایم رایانه ای و فناوری اطلاعات) از یک طرف دیگر دارد و بدون کارشناسی و نبودن اجازه ی ملاقات با وکلایم این دادگاه و محاکمه فاقد وجاهت قانونی است و ظلم در حق متهم است. بارها آنان سایت هایی که متعلق به دیگران است به من به کذب نسبت داده اند در حالیکه که بنده در تولید و تهیه ی آن ها هیچ اختیار و دخالتی نداشته ام و در ویدئو های زیر شکنجه وادارم کرده اند تا باطبی را جاسوس اسرائیل بنامم و حسین درخشان را جاسوس وزارت اطلاعات ایران و سیا! به خاطر دریافت عکس های تسمخ رهبر و سران نظام وامامان شیعه در ایمیل به اجبار و اتفاقی اتهامات توهین به امامان و توهین به رهبری و تشویش اذهان عمومی در بازجویی ها به من بستند در حالیکه دریافت آن ایمیل ها به اختیار خودم نبوده است به خاطر آگهی های گوگل و استراتژیست گوگل بودن و دریافت پول از آن موسسه ی عظیم فناوری جستجو، اتهام تحصیل مال نا مشروع به بنده زده اند!! در حالی که چنین مواردی خنده دار است و آنها فعالیت غیر قانونی ندارند و موسسه ای تجاری اند. شدیداً اسرار دارند که من عضو منافقین هستم و در شاخه ی فرهنگی آنان فعالیت می کنم و اتهام بزرگم به کذب همین است! در حالی که هیچ ارتباطی با آنها نداشته ام و هیچ یک از آنها را ملاقات نکرده ام و شناختی ندارم از آنان! آیا این اغراض نیست؟

به یک برادرم که شبانه او را مثل من از خانه اش ربوده و دزدیده بودند بدون نشان دادن حکم قضایی و غیره و به اوین منتقل کرده بودند، اتهام کذب تبلیغ علیه نظام زده اند در حالی که ایشان فعالیتی نداشته است و روحش هم خیردار نیست و از اینترنت و کامپیوتر هم چیزی نمی داند! برادر دیگرم نیز که در ترکیه به سازمان ملل پناهنده است و هیچ یار و یآوری ندارد و آواره اش کرده اند به اتهام اداره سایت های ضد دینی و ضد نظام و تبلیغ علیه نظام فشار آورده اند تا

وبلاگش را تعطیل کند و تهدیدش کرده اند که او را به قتل می‌رسانند و اگر پایش به ایران برسد و یا دیپورتش کنند زیر شکنجه او را می‌کشند.

آنها را ترسانده اند شدیداً و گفته اند به آنها که تحت تعقیب سپاه هستند و تلفن هایشان در حال شنود است و حق فعالیت وبی ندارند. طبعا برای فشار بر من به آنها نیز فشار آورده اند و می‌آورند غافل از اینکه من فقط در حال انجام رسالت خویش بودم و هستم در حق ابنا بشر و مرا از شما ترس و گریزی نیست تا زمانی که هر دو تسلیم حق شوم و یا داوری را به روز " بازپرس " (قیامت) واگذار کنیم.

جز این نیست که خداوند بهترین داور است. دادستان و قاضی صلواتی از شکنجه های سپاه و بازجویان با خبرند در اوین ولی نه تنها آنها را انکار می‌کنند بلکه مرا که می‌گویم 60 سال است که در اوین شکنجه می‌کنند و آدم می‌کشند و به زندانیان سیاسی آزار می‌رسانند را دیوانه می‌خوانند زیرا گوشه‌های شان به حقیقت باز نیست و اینگونه خدا به دلها و گوش های آنان مهر می‌زند.

بعد از دکتر احمد باطبی، عکاس، وکیل و اینک مدیر سایت او هم به زندان افتاده اند و مردمانی سعی در خراب کردن آنان در اذهان دارند که خود خرابی برای مملکت و بشریت به بار آورده اند و اهل اصلاح نیستند.

همه اینها در حالی است که من نفر و رتبه سوم مسابقات احکام در کشورم و قرآن کریم را به زبان انگلیسی در اینترنت و آمریکا شمالی چاپ و انتشار دادم و بازجوها برای این مورد هم پاپوش مضحکی دوختند به خیال خودشان و آن قرآن را قرآن سنی ها دانسته اند!! در حالی که قرآن کریم یکی است و هیچ تغییری در آن قابل لحاظ نیست نه از طرف شیعیان ( که تفسیر های خود را در ترجمه قرآن وارد نموده اند) و چه از طرف سنی ها و افراد دیگر. ( که قرآن باید بدون (تفسیر به رای باشد

مطابق قوانین ذیل از کارشناسان و بازجویان و بازپرس و قاضی پرونده و سپاه ( پدافند سایبری ) اعلام شکایت و تظلم خواهی به عنوان شاکی ستم دیده می‌نمایم و از دادسرای محترم نظامی تهران و از دادسرای انتظامی قضات توقع رسیدگی به شکایت قانونی بنده و رفع ظلم و آثار ظلم می‌نمایم و در مقام احقاق حق خواستار توجه به مواد شمرده شده مستند و مستدل ذکر شده زیر هستم

ماده های 124، 141، 143، 144، 145، 146، 151، 153، 271، 277، 446، 513، 514، 570، 574، 576، 578، 579، 580، 582، 583، 584، 587، 597، 608، 609، 617، 628، 668 و 669 قانون مجازات اسلامی

ماده های 20، 23، 33، 34، 36، 37، 38، 39، 169، 173 و 202 قانون اساسی ج.ا.ا.

ماده های (( تبصره ماده 59))، 39، 129، 131، 190، 196، 205 و 210 قانون آئین دادرسی کیفری

و قانون حفظ حقوق متهمین، قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، آئین نامه سازمان زندان ها، میثاق های بین المللی و ملی و قانون منع شکنجه و قانون آئین دادرسی کیفری بین المللی به همراه ماده های ذکر شده فوق هیچ یک روی من انجام نگرفت و انجام نگرفت و رعایت نشد و هم چنان افراد خود سر سپاه و قوه قضائیه و دخالت های بی جا و ظالمانه وزارت اطلاعات که بنده خود شاهد عینی اش بوده ام و به تجربه در نقض حقوق بشر و متهمین پیوسته دخیلند و این غده های سرطانی همچنان دارند به کار خویش تحت حمایت های دولت و مجلس و قوه قضائیه ادامه می دهند و از هیچ چیز حتی خدا ابایی ندارند و من آنها را ارشاد کرده و به ترس از خدا فرا می‌خوانم و روزی را به یاد می‌آورم که طومار ظلم و تعدی بر چیده شود در آینده. پس آیا گوش شنوایی هست؟

من از روزی ترسانم که قوانین خدا که روی زمین گذاشته شده است به درستی و با عدالت کامل به طور تام و فرا گیر روی همه اجرا شود در زمین. پس منتظر چنین روزی باشید که من هم با شما از منتظران (اوامر الهی). نیاز به یادآوری ست که با این وضع روحی و روانی و جسمی بنده بعد از حبس های انفرادی طویل المدت و شکنجه های گوناگون، هنوز حتی یک روز هم مرخصی نداشته ام و تبدیل قرار صورت نگرفته است و هنوز از پائین تا بالا روی ادعاهای دروغین خود اصرار می‌ورزند.

وحید اصغری / نوزدهم اسفند 88

منبع: هرانا

وارد شده: 26 فروردین 1389 – 15 آوریل 2010